تحقیر زن در اندیشه غربی از دیرباز تاکنون

رهبر انقلاب درسومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، با اشاره به مبانی غنی و ناب دین اسلام در مقابل قرائت‌های غربی و شرقی از هویت و حقوق زن، از فعالین حوزه زن و خانواده خواستند «اینها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه‌ها و مجموعه‌های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج دربیاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه‌ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان.» بخش زن و خانواده و سبک زندگی پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR در همین زمینه یادداشتی از خانم «فریبا پروینیان»، کارشناس مطالعات زنان منتشر کرده است.

* * *

«مرد، آغاز و انجام زن است»، این جمله توماس آکونیاس است که به «عالم جهانی» مسیحیت کاتولیک رم معروف است. وی به عنوان یک فیلسوف بزرگ و راهبر جامعه غرب بااشاره به داستان آفرینش در انجیل قاطعانه اظهار می‌کند که مرد «آغاز و انجام» زن است و زنان نوعی نقص و عدم توفیق دارند و به کرات از او نقل شده که زن انسانی است که به طور ذاتی ناقص و ناموفق است. او با پیروی از ارسطو تولد دختر را ناشی از ضعف قدرت تولید مثل مرد دانسته و معتقد بود این ضعف موجب می‌شود که انسانی «ناقص» متولد شود. او زن را پایین‌تر از بردگان می‌دانست و بر این باور بود که زن باید طبق قانون طبیعت، مطیع و منقاد باشد.

زنان در کلیسای قرون وسطا کاملاً ساکت بودند. اجازه اینکه به مردان چیزی بیاموزند یا بر آنان مسلط شوند را نداشتند و باید در سکوت و اطاعت کامل مسائل روحانی را فرا می‌گرفتند. چرا که کلیسا آنان را تهدیدی برای مردان و مسبب گمراهی ایشان می‌دانست. این نگاه حتی کمتر از یک قرن پیش در این کشورها اثر ویرانگری خود را داشت.

«تا چند سال قبل از این نه خیلی زیاد زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل می‌کردند، حق نداشتند که مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر در بعضی از کشورهای غربی، از جمله انگلستان، مطبوعات یکی از کشورهای غربی که نمی‌خواهم از آن کشور و از آن مجله اسم بیاورم، پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ یعنی مثلاً هفتاد سال قبل در حد دکترا تحصیلات عالیه کرده است؛ لیکن به او مدارک تحصیل نداده‌اند! بعد سؤال می‌کند چرا مدرک تحصیل نداده‌اند؟ می‌گوید که چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد!... در همان سال‌هایی که چنین حقارت‌هایی در فرهنگ غربی مشاهده می‌شد، در ایران اسلامی، بانوی اصفهانی اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اول آن روز اسلام داشت؛ در اصفهان، حوزه تدریس فلسفه و فقه را دایر داشت، اسلام، این است». [1]

در کشورهای اروپایی تا اواسط قرن نوزدهم سایه قوانین قیومیت سنگینی می‌کرد، قوانین قیومیت، زنان را از بهره‌مندی از حقوقی نظیر مالکیت دارایی‌ها، دستمزدها و ثروت موروثی محروم می‌نمود و آن را در اختیار شوهر قرار می‌داد در حقیقت همه دارایی زن، ملک مرد می‌شد؛ زن محجور بود و با هیچ‌کس نمی‌توانست قرارداد مالی منعقد کند. حتی در کشوری نظیر فرانسه تا حدود یک قرن پیش، زنان حق داشتن حساب‌های بانکی را نداشته و این حق در سال ۱۸۸۱ میلادی به زنان اعطا شد، و پنج سال بعد به زنان متأهل هم اجازه داده شد تا بدون اجازه شوهر حساب بانکی باز کنند. انگلیس تا سال ۱۹۷۵ چنین اجازه‌ای به زنان نداد و ایالات متحده تا دهه ۱۹۶۰ زنان را از داشتن حساب بانکی محروم می‌ساخت. طبق قانونی که در سال ۱۸۵۰ به تصویب مجلس ملی انگلستان رسید زنان جزء شهروندان و اتباع کشور محسوب نمی‌شدند، آنها حتی از مالکیت بر تن‌پوش‌های خود محروم بودند. در یونان، چند دهه پیش، اقامه دعوی زنان در محکمه ممکن نبود.

«شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدعی دفاع از حقوق زنان هستند که تقریباً همه‌اش دروغ است تا دهه‌های اول این قرنی که تمام شد، زنان نه فقط حق رأی نداشتند، نه فقط حق گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حق مالکیت هم نداشتند؛ یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود، اموال او در اختیار شوهر بود!». [2]

منع هرنوع آموزش روشنگرانه و فقط ارائه آموزشی که مطابق با «وظایف جنسی زن و التذاذ مرد» باشد، فلسفه کلی تعلیم و تربیتی بسیاری از فیلسوف‌های غربی از جمله ژان ژاک روسو است. این دیدگاه غالب در دستگاه فکری آنان در دوره‌های زمانی متفاوت به‌اشکال مختلف دیده می‌شود. روسو در دو کتاب «امیل» و «قرارداد اجتماعی»، زن را موجودی فاقد درک و عقل و نالایق برای تربیت کودک و تنها وسیله‌ای برای کسب التذاذ در مرد می‌بیند. او حتی معتقد نیست مرد بهتر از زن تربیت می‌کند بلکه معتقد است به طور کل زن توانایی تربیت کودک را ندارد. روسو هرجا از جوانان سخن به میان می‌آورد تنها جنس مذکر را خطاب می‌کند و زنان را لایق و شایسته کار واشتغال نمی‌بیند و در نهایت معتقد است خلقت زن تنها برای مقبول واقع شدن از سوی مرد است و زن آفریده شده که در خدمت مرد باشد. [3]

در همین راستا رهبر انقلاب در یکی از سخنان خود با اشاره به موضوع نگاه دست دوم به زن می‌فرمایند: «رام کردن زن سرکش»، یکی از همان نمایشنامه‌های ارزشی است. در این نمایشنامه، از دیدگاه شکسپیر، همه ارزش و اهمیت زن به این است که مطیع و برده مرد باشد. خانم‌ها خوب است تعدادی از نمایشنامه‌های شکسپیر را اگر نخوانده‌اند، بخوانند تا ببینند که زن در چشم غربی‌ها چیست؟! از دیدگاه آنها، مرد سرور زن است! در همین نمایشنامه اتللو، اتللو کیست؟ اتللو یک سیاهپوست بی‌اصل و نسب است و طرف مقابلش یک خانم اشرافی است به نام دزدمونا. زن، خانمی اشرافی و زیبا و مرد، یک سیاه گردن‌کلفت که در جنگ مهارت به خرج می‌دهد و سرباز خوبی است. به مجردی که اتللوی سیاهپوست، شوهر دزدمونای اشرافی می‌شود، دیگر زن باید به او بگوید «سرور من». بعد هم مرد، این‌قدر حق دارد که زن را به دست خودش خفه کند؛ برای این‌که سوءظنی به او پیدا کرده است. توجه می‌کنید؟ حالا اینها را مقایسه کنید با اسلام.

در اسلام این مسائل و این خبرها نیست. بله؛ در اسلام هم ازدواج یک دختر اشرافی زیبای با اصل و نسب را با یک پسر زشت بی‌اصل و نسب که همان داستان معروف «جویبر» است، داریم. اما این دختر، وقتی که به همسری جویبر در می‌آید، شوهر «سرور او» نمی‌شود. در «اتللو» به مجردی که زن‌اشرافی به همسری سیاهپوست در می‌آید، مرد «سرور» زن محسوب می‌شود. این نگرش به زن را ملاحظه کنید! در آن دیدگاه، زن، همه ارزشش به این است که مرید و برده و مخلص و مطیع دربست شوهر باشد. اینها نشان‌دهنده نگرش غربی‌ها نسبت به زن است و چقدر هم نگرش بدی است!» [4]

اندیشه‌های تحریف شده و ضد زن است و برای فرار از این مسمومیت سعی می‌کند آن را به دیگران هم سرایت دهد.

در مقابل، نگاه اسلامی به زن را داریم که رهبر انقلاب در تبیین آن می‌فرمایند: «نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند: إِنَّ الْمُسلِمِينَ وَالْمُسلِماتِ وَالْمُؤمِنِينَ وَالْمُؤمِناتِ وَالْقانِتِينَ وَالْقانِتاتِ وَالصّادِقِينَ وَالصّادِقاتِ وَالصّابِرِينَ وَالصّابِراتِ وَالْخاشِعِينَ وَالْخاشِعاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقاتِ... (احزاب:۳۵) تا آخر؛ مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزش‌های الهی و انسانی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. وظایف مشترکی هم هر دو دارند؛ وظیفه امر به معروف مشترک است، وظیفه خدمت مشترک است، وظیفه جهاد فی‌سبیل‌الله [برای] هر کدام به نوعی مشترک است، مربوط به مرد یا مربوط به زن ویژه نیست. هر کدام هم وظایف ویژه‌ای دارند؛ زن وظایفی دارد، مرد وظایف ویژه‌ای دارد که خدای متعال به خاطر اداء همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آنها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده و خلق کرده. بنابراین این نگاه اسلام و نگاه جمهوری اسلامی به زن است، و ما به این نگاه افتخار می‌کنیم؛ ما سر تا پا اعتراض به منطق غربی و روش غربی و سبک زندگی غربی در مورد زنیم؛ معتقدیم آنها به زن دارند ظلم می‌کنند.» [6]

قوانینی در کتب مقدس مسیحیت و یهودیت وجود دارد که جایگاه دست چندمی زن در جامعه را نشان می‌دهد: مرد یهودی هر روز در دعای خود اینگونه نجوا می‌کند: «خدا را شکر که زن آفریده نشده‌ام»، یا به طور مثال مرد می‌تواند دخترش را در ازای قرضی که گرفته است بفروشد اما نباید او را وادار به فحشا کند یا در موارد دیگری آمده است که جایگاه و مقام زن از شوهر پایین‌تر است و این مرد است که حق حکمرانی بر زن را دارد. [5]

زنان مسیحی و یهودی از کودکی با این دسته از آموزه‌ها رو به رو شده و این طرز تلقی از زن بودن؛ خود خاستگاه بحران زنان در غرب است. زنانی که از خود الهی‌شان فاصله گرفتند و این دوری از خویشتن الهی خویش موجب فراموشی و نادیده انگاشتن کرامت ذاتی انسانی آنان شد، در درون آنها تشتت خاطر ایجاد کرد و به بحرانی درونی منجر گردید و مبنای مشکلات و آسیب‌های دیگر برای آنها شد. زنانی که در درون خود را حقیر می‌دیدند و در اجتماع و خانواده احساس امنیت و عزت نمی‌کردند. نتیجه عدم احساس امنیت و تحقیر؛ عصیانی است که امروز زن غربی در آن دست و پا می‌زند. زنی که دچار از خودبیگانگی است و مسموم

پی نوشت‌ها:

۱) آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۷۶
۲) آیت‌الله خامنه‌ای، ۳۰ خرداد ۱۳۷۶
۳) سید خدایار مرتضوی، شهیندخت پاکزاد: زبان، زنان و دوگانگی گفتمانی در اندیشه سیاسی روسو (۱۳۹۵)
۴) ۲۹ دی ۱۳۷۱
۵) سیده‌مژگان‌سخایی، ریشه‌یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس، (۱۳۹۰)
۶) آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۵ بهمن ۱۳۹۹

کدام راهبرد برای نظام آموزشی مفیدتر است «تکلیف‌محور» یا «خطامحور»؟

محمدحامد محتشم

در این نوشتار تلاش بر آن است که دوگانه مفهوم «تکلیف‌محور» و «خطامحور» را مقابل هم قرار داده و پیرامون هریک نکاتی آورده شود تا نقش هر کدام را در ارتقا و سرعت‌بخشی به پیشروی علمی و تحصیلی روشن کند. در این نوشتار و مطابق با تحلیلی که خواهد آمد، خطامحوری به‌عنوان راهبرد پیشروی‌های تحصیلی عرضه می‌شود.

* * *

رسیدن به سواد گیمری (Gaming Literacy)، در عصر تکنولوژی که سیر و سرعت تکامل انسان سرسام‌آور شده، ضروری به‌نظر می‌رسد؛ چراکه نوع برداشت متولیان جامعه نسبت به آن در عرصه آموزش و پرورش تأثیرگذار است. به عبارت دیگر؛ صرف نظر از نگاه مثبت یا منفی ما، باید به عرصه تکنولوژی توجه داشت که تأثیرات آن در نظام آموزشی ما، مهم و پایدار است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. تفکر تکنولوژی که در ایران مستقر است به واقع یک تفکر تکلیف‌مدار است، در این شرایط باید از خلأ خطامحوری سخن گفت و نقش آن را در مقایسه با تکلیف‌مداری آزمود و در جهت تکمیل این مطلب می‌توان این مهم را با مفهوم گیم مرتبط دانست و به مقصود نوشتار نزدیک‌تر شد.

تکلیف‌محوری می‌گوید؛ تکالیف همواره نشان‌دهنده این است که چگونه و با چه سرعتی باید حرکت نموده و تمرین داشت. در تکلیف‌محوری گام‌ها و مراحلی که باید طی شود یا آموخته شود، مشخص و معین است و تمام تلاش می‌بایست در انجام دقیق و صحیح آنها متمرکز شود و قرار برخطا نیست.

به عبارت دیگر؛ تکلیف‌محوری یعنی خطا ممنوع. در تکلیف‌محوری، خطاکاری، از امتیازها کاسته و بدین ترتیب است که تکلیف‌محوری راهبردِ پیشروی قلمداد شده است. راهبرد تکلیف‌محوری، دانش‌آموز را در غار «دموستنس» یونانی[1] قرار می‌دهد و در این غار سیخ و میخ‌های آویخته از در و دیوار و سقف و کف، اجازه خطا کردن نمی‌دهد. یادگیرنده هر جا که حرکات دست و پا و صورت و زبان و هیجان را به خطا از حدِ مرزِ تعیین شده عبور دهد با اصابت به سیخ و میخ‌های غار، کنترل شده و سر جای اولش بازمی‌گردد؛ تا در نهایت به‌صورت معیارهایی که موانع غار تعیین کرده‌اند، عمل کند؛ به این ترتیب آموزنده رفته‌رفته درمی‌یابد که دست و پا و زبان و رفتارها را تا کجا می‌تواند امتداد و پرواز دهد و در این مختصات آموزشی و پرورشی است که افراد در مقیاس محدود شده قرار می‌گیرند (مانند سیستم نمره‌دهی برخلاف سیستم امتیازی در نظام آموزشی فعلی کشور).

معلمان پویا به متعلمین پوینده امکان خطاکاری می‌دهند

نقطه مقابل راهبرد تکلیف‌محوری راهبرد «خطامحوری» و فرصت دادن به «خطاکاری» است. تفکر خطامحور یکی از عوامل مهم و مؤثر در آموزش را امکان خطا می‌داند لذا؛ به یادگیرنده فرصتی برای خطا داده و به او اطمینان می‌بخشد که خطاکاری چیزی از ارزش و بهای تلاش‌های او نمی‌کاهد و حتی دلیل بر ضعف و کم‌هوشی نیست؛ بلکه بخشی از ذات راه آموزش و تعلیم است. آموزش گیرنده در اتصال به این تفکر درمی‌یابد که خطاکار با خطاکاری‌هایش در معرض تنبیه، سرزنش و عتاب قرار نمی‌گیرد و کم‌هوش و کم‌استعداد تلقی نمی‌شود؛ القصه از نکات و نقاط مثبت، مؤثر و کلیدی آموزش و پرورش و تعلیم و تعلم قلمداد می‌شود.

نقش خطاکاری را در فضاهای گیمری بهتر می‌توان تشخیص داد. در مقام مقایسه توجه کنیم که در عرصه تکنولوژی این امکان را فضای گیم به همه گیمرها می‌دهد که خطا کنند و دوباره از نو شروع کنند.

کسی که در فضای گیم ورود پیدا می‌کند، جاذبه‌گیم او را در آغوش می‌گیرد. اگر بار اول یا بار چندم اشتباه کند نمی‌هراسد، چون می‌داند که گیم حق خطا به او داده است؛ بنابراین گیمر تلاش می‌کند تا از اشتباهاتش درس بگیرد و آگاه‌تر و پرتجربه‌تر شود و برای پیروزی به تلاشش ادامه دهد. در فضای گیم این حس پیدا می‌شود که فرد خود دست‌اندرکار آزمون و خطا است و رفته‌رفته با عبور از خطاها، امکان کسب مهارت یافته و در مسیر تسلط گام برداشته و چنین می‌پندارد که آزمون و خطاها و مهارت‌یابی‌ها همه محصول و معلول اراده خود اوست.

به‌همین دلیل است که اهل رشد، علم و فکر علاقه وافری به این موضوع پیدا می‌کنند؛ زیرا در این فضا اشتباه کردن فرصتی برای آزمودن راه‌های جدید و تکرار و تمرین به‌دست می‌دهد. گیمر در این فضا به امکان اکتشاف‌محوری دست پیدا می‌کند. فرصت خطاکاری به‌دنبال خود، امتحان کردن کارها و راه‌های جدید را می‌آورد. همچنان که در ابتدای نوشتار آمد فرآیند آزمون و خطا و خاصه خطاپذیری بهترین راه یادگیری، رشد و فرصت خلاقیت یک فرد است که فضای گیم این بستر را در فضای حقیقی آشکار کرده و هم به آسانی در اختیار ما قرار داده است و اکثریت نوجوانان و جوانان ما تشنه‌وار به سمت آن، مسابقه سرعت برگزار می‌کنند.

من از فضای گیمری و علاقه وافر فرزندان جامعه‌ام به این فضا چنین آموختم که پدران و مادران آگاه و متعهد، معلمان و مربیان متخصص، خود میدان لازم برای اشتباه کردن را می‌دهند (همان کاری که فضای گیمری آن را در اختیار ما می‌گذارد) و به فرزندان و دانش‌آموزان خود چهار اصل را در این مسیر آموزش می‌دهند ۱- از آنها درس می‌گیرند ۲- مسئولیت‌شان را می‌پذیرند ۳- در صدد جبران آن برمی‌آیند ۴- برای جلوگیری از تکرار اشتباه، از محافظ‌های مستحکمی استفاده می‌کنند.

البته ما و جامعه آموزش هنوز نتوانسته‌ایم با محاسن عنصر خطاکاری آشنا شویم و فرصت نداده‌ایم که خطاکاری جاگیر و پاگیر شود و به آن فردیتی که بر مبنای اندیشه خطاکردن بنا می‌شود، اجازه تولد نداده‌ایم.

آموزگار می‌تواند به جای اظهار خشم و آزردگی از اشتباه دانش‌آموز، هرچه بیشتر او را ترغیب کند که با آزمون و خطا بیاموزد و جرأت خطاکردن پیدا کند و از اشتباهاتش درس بگیرد. نباید فراموش کرد که همگی ما لاجرم و بدون استثناء اشتباه می‌کنیم و گریز و گزیری از آن نیست؛ بنابراین بحث بر سر اصل خطاکاری نیست؛ بلکه نکته این است که جایگاه و نقش تعیین‌کننده خطاها را شناخته و از آن بهره‌برداری‌های کافی و وافی را داشته باشیم.

در پس و پستوی اذهان آموزگاران ما، یکی از سخت‌ترین کارها، دادن امکان و اختیاراتی به دانش‌آموزان و دانشجویان است که باعث انجام خطا شده و می‌بایست مانع آن شوند.

آموزگاران برجسته راه‌هایی برای ایجاد امکانات لازم برای خطر کردن دانش‌آموزان و دانشجویان خود می‌یابند و به آنها این امکان را می‌دهند و در حقیقت این آموزه را آموزش می‌دهند که شجاعت به معنای فقدان‌ترس نیست؛ بلکه به معنای تصمیم بر این است که چیزهایی مهم‌تر ازترس نیز وجود دارند. همان‌گونه که «جان وودن»[2] سابقاً گفته است، «اگر شما اشتباه نمی‌کنید، پس هیچ کاری انجام نمی‌دهید». اشتباهات راه رسیدن به ایده‌های بزرگ و نوآوری‌ها هستند.

اشتباهات سکوهای استواری برای پیمودن مسیر خروج از منطقه راحتی و رکود به منطقه رشد، جایی‌که اکتشافات جدید شکل می‌گیرند و درس‌های بزرگ آموخته می‌شوند، هستند. اشتباهات شکست نیستند آنها حقیقتاً فرآیند حذف راه‌های اشتباه برای نزدیک شدن به راه‌هایی هستند که به مقصد می‌رسند و می‌رسانند.

نتیجه آنکه؛ خطا اندیشی و امکان‌سازی برای خطاکاری از عوامل راهبردی پیش روی آموزش و کسب دانش به شمار می‌رود و دانش‌آموزان و آموزش‌هایی که تکلیف‌محور حرکت می‌کنند با حذف امکان خطا، امکان خلاقیت را در دوردست‌ها می‌نشانند و دانش‌آموزانی بر طبق معیار و ملاک خودساخته، پرورش می‌دهند که تن دادن به تحرکات فوق از خصائل آنان می‌گردد؛ بر خلاف فضایی که گیم می‌سازد.

۱- دموستنس یونانی (۳۸۴- ۳۲۲ پیش از میلاد) دولتمردی برجسته و سخنرانی توانا در آتن در یونان باستان بود.
۲- جان رابرت وودن (۱۴ اکتبر ۱۹۱۰- ۴ ژوئن ۲۰۱۰) بازیکن بسکتبال و مربی آمریکایی بود.

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز: ۳۳۱۱۹۲۳۶ ۳۳۱۱۳۰۸۵ ۳۳۹۴۲۰۰۰ ۳۳۱۱۲۱۹۳ ۳۳۱۱۰۲۰۲ ۳۳۱۱۸۰۵۲ ۳۳۱۱۲۲۹۱ ۳۳۱۱۳۵۱۹ ۳۳۹۱۱۵۶۸ ۳۳۹۰۲۵۹۹

جنوب: شهرری ۵۵۹۰۰۸۹۷ - ۵۵۹۵۳۶۳۶ | سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱ | شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ | اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ | چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ | شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ | مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ | شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

شرق — غرب: آزادی ۶۶۰۰۷۴۷۹ - ۶۶۰۶۴۶۴۷-۹ | شهریار ۶۵۲۲۲۹۳۳ - ۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹ | کرج ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳ - ۳۲۲۲۴۴۱۱ | تهران نو ۷۷۹۰۹۹۳۹ - ۷۷۹۳۶۸۸۸ | دماوند ۷۶۳۲۱۹۳۸

خرید و فروش انواع خودرو

خرید و فروش فیش حج — مکه

کارتن سازی

متفرقه

«خریدار نقدی فرسوده» انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته ۶۶۸۰۰۷۸۹ و ۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲

خریدار فیش حج تمتع و عمره نقدی — درب منزل ۶۶۵۷۴۸۱۹ - ۶۶۵۷۶۹۸۱ ۰۹۱۲۶۹۹۳۶۰۳

کارتن سازی (پستی) با تمامی سایزها موجود می‌باشد کارتن ۳ و ۵ لایه و لمینتی و اثاثیه منزل و شرکت‌ها ۶۵۹۵۳۷۰۰-۰۹۱۲۱۳۳۴۱۸۷

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

کمشده — پیدا شده

برگ سبز پژو پارس مدل ۹۷ به شماره موتور ۱۲۴K۱۲۴۵۵۶۱ به شماره انتظامی ۲۵۲ و ۴۸- ایران ۳۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

چون آقای یدالله حبیبی مالک خودروی وانت پیکان مدل ۱۳۷۰ به رنگ آبی روغنی به شماره انتظامی ۴۶۲ب۴۶ ایران ۵۱ و شماره موتور ۱۲۳۴۶۹۰۰۴۲۴ و شماره شاسی ۶۹۲۰۰۵۶۴ به علت فقدان سند کمپانی و برگ سبز خودرو تقاضای رونوشت المثنی سند مذکور را نموده است. لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز (سند مالکیت) خودرو سواری وانت پیکان ۱۶۰۰ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۷۷۹ی۴۶ ایران ۷۸ به شماره موتور ۱۱۴۸۹۰۰۵۰۶۲ وشماره‌شاسی NAAA۳۶AA۰۵AG۲۱۱۸۰۹ بنام علی امیریان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز ولو FM۹ به شماره انتظامی ۱۵ع۵۳۷ ایران ۶۳ مدل ۱۳۸۳ موتور ۰۱۷۳۰۲ شاسی Y۰V۲J۴CJC۵۵T۸۵۰۶۰۸ به نام نسرین محبوبی اردکانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری‌پراید مدل ۱۳۸۵ به‌شماره انتظامی ۲۴۴ د ۶۴ ایران ۳۱ شماره موتور ۱۶۹۷۸۱۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۴۳۷۵۷ به نام سعید خادمی شماره ملی ۴۰۷۰۶۶۶۶۱۳ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰i به شماره پلاک ۳۱۴ س ۲۱- ایران ۱۴ به رنگ سفید شیری- روغنی مدل ۱۳۹۲ و شماره موتور ۱۱۸P۰۰۲۰۷۳۱ وشماره‌شاسی NAAA۳۶AA۳DG۶۰۳۲۰۴ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت مشخصات خودرو سواری نیسان پاترول، ۲ درب مدل ۱۳۷۱ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۳۶۵ ل ۸۳ ایران ۴۶ و شماره موتور Z۲۴۴۱۰۵۹۶WS و شماره شاسی PNK۱۵Z۰۰۷۲۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو شرکت صنایع الکتریکی ناسیونال ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۶۰۸۶ مالک سواری رنو مدل ۱۳۹۲ به شماره انتظامی ۸۱۲ط۴۷ ایران ۲۲ به شماره شاسی NAALSRALDDA۲۲۹۳۳۳ شماره موتور ۸۲۰۰۸۷۱۱۵۹۲W۱۳۸۷۵۲ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو شرکت صنایع الکتریکی ناسیونال ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۳۶۰۸۶ مالک سواری پراید مدل ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ۷۴ط۸۱۵ ایران ۲۲ به شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰J۳۴۳۴۱۵۴ شماره موتور M۱۳۶۰۹۸۷۲۶ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو پراید ۱۳۱ مدل ۹۴ به شماره انتظامی ۳۴۶ ب ۷۳- ایران ۴۱ به شماره موتور ۵۴۹۱۵۴۳ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰F۱۱۶۱۹۰۳ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگه سبز خودروی هیوندا التترا CLS مدل ۲۰۱۴ به شماره شهربانی ۲۱۴ س ۳۲ ایران- ۱۱ و شماره موتور ۷۸۷۰۱۶ و شماره شاسی ۹۵۴۴۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا CNG تیبا به شماره پلاک ۶۸۱ و ۳۶- ایران ۱۴ به رنگ سفید- روغنی مدل ۱۳۹۶ و شماره‌موتور M۱۵/۸۵۴۸۶۰۵ و شماره شاسی NAS۸۱۲۱۰۰H۵۷۷۸۵۷۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی برگ سبز موتورسیکلت هوندا ویو و کارت و بیمه‌نامه به شماره پلاک ۲۹۸۵۸ ایران ۱۱۷ به شماره موتور ۸۰۰۶۹۲۳ به شماره شاسی ۸۴۰۱۹۲۵ به نام حامد سویزی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

قابل توجه مشتریان محترم
لطفاً قبل از پرداخت مبلغ آگهی از هویت مامور وصول مطمئن و در صورت لزوم با تلفن ۳۳۱۱۲۱۹۷ تماس بگیرید
اداره وصول مطالبات روزنامه کیهان

آگهی مزایده عمومی

معاونت بهداد- بیمارستان حضرت ولیعصر(عج) ناجا در نظر دارد قرارداد بوفه بیمارستان را از طریق مزایده عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. واجدین شرایط و دارای مدارک قانونی و رزومه (سوابق کاری) می‌توانند از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۸ لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۹ در ساعت اداری به نشانی: خیابان ولیعصر- بالاتر از میرداماد- نبش خیابان یاسمی- بیمارستان ولیعصر(عج) ناجا- واحد مهندسی مراجعه و اسناد شرکت در مزایده را دریافت نمایند.

قابل ذکر است شرکت کنندگان می‌بایست مبلغ شرکت در فرآیند ارجاع کار را فقط به صورت ضمانت‌نامه بانکی به نام بیمارستان ولیعصر(عج) ناجا تهیه نمایند. ضمنا شرکت‌کنندگان می‌بایست مدارک شرکت در مزایده و رزومه‌کاری به همراه پیشنهاد قیمت را به صورت فیزیکی و ممهور به مهر در پاکت‌های دربسته و مهرزده حداکثر تا پایان وقت اداری مورخه ۱۴۰۰/۰۸/۱۹ به واحد بازرسی بیمارستان در آدرس ذکر شده تحویل و رسید دریافت نمایند. شایان ذکر است هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مزایده می‌باشد.

تماس : ۸۱۲۳۵۳۶۴

مدیریت آموزش و پرورش منطقه ۹ تهران

از طریق مزایده تالارخانه معلم واقع در خ آزادی روبروی دانشگاه شریف ابتدای خ گرانمایه را به صورت اجاره واگذار می‌نماید افراد جهت شرکت در مزایده به آدرس سامانه ستاد www.setadiran.ir مراجعه نمایند یا به آدرس آزادی خیابان نجارزادگان خ سبزه‌زار پلاک ۱۲ طبقه همکف واحد کارشناسی پشتیبانی اداره مراجعه نمایند. شماره تماس: ۶۶۰۰۲۷۳۸

مدیر آموزش و پرورش منطقه ۹ تهران

آگهی مجمع عمومی عادی و عادی بطور فوق‌العاده موسسه فرهنگی هنری کانون هنرمندان ایران به شماره ثبت ۷۶۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۹۲۱۶

بدینوسیله از کلیه اعضای موسسه دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی و عادی بطور فوق‌العاده که در ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ در آدرس تهران خیابان باهنر روبروی مجتمع روشا پلاک ۲۴۸ واحد ۲ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- انتخاب اعضای هیئت‌مدیره مطابق ماده ۱۱ اساسنامه
۲- تغییر و اصلاح اساسنامه مطابق ماده ۱۲
۳- اضافه شدن رکن هیئت امنا به ارکان موسسه مطابق ماده ۱۳
۴- اعلام آدرس و تلفن جدید موسسه
۵- اعلام و ثبت لوگو و آرم موسسه

هیئت‌مدیره

آگهی حصر وراثت

آقای مجید فاتح به شماره شناسنامه ۸۳ مطابق دادخواست تقدیمی به کلاسه پرونده ۳۳۴/۲/۱۴۰۰ از این شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان طیبه احمدی به شماره شناسنامه ۸۱۶ در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۷ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- مجید فاتح شماره شناسنامه ۸۳ تاریخ تولد ۱۳۲۹/۱/۱ صادره شاهرود فرزند پسر ۲- مسعود فاتح شماره شناسنامه ۱۷۱۱۶ تاریخ تولد ۱۳۴۳/۶/۲۰ صادره شاهرود فرزند پسر ۳- محمود فاتح شماره شناسنامه ۵۳۰ تاریخ تولد ۱۳۳۱/۹/۲۰ صادره شاهرود فرزند پسر ۴- نرگس فاتح شماره شناسنامه ۸۹۸ تاریخ تولد ۱۳۴۲/۱۰/۱۱ صادره شاهرود فرزند دختر ۵- مرضیه فاتح شماره شناسنامه ۲۴۵ تاریخ تولد ۱۳۳۴/۱/۵ صادره شاهرود فرزند دختر ۶- مریم فاتح شماره شناسنامه ۶۹۷ تاریخ تولد ۱۳۲۶/۱۲/۱۴ صادره شاهرود فرزند دختر و مرحومه ورثه دیگری ندارد اینک با انجام تشریفات مقدماتی، درخواست مزبور را باستناد ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه‌ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این شعبه تقدیم دار